

به کمونیست‌ها در ایران

پیام پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

رفقا!

همه به این حقیقت واقفیم که جامعه ایران دوران سرنوشت سازی را سپری میکند. جدال طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه با جمهوری اسلامی، به عنوان حکومتی بورژوازی، برای رفاه عمومی، امنیت و آزادی و داشتن یک زندگی انسانی، جدال علیه همه بیحقوقی‌ها ابعاد بی سابقه ای گرفته است. سالانه در ایران شاهد هزاران اعتصاب کارگری، تجمع معلم و بازنشسته، پرستار، اعتراضات زنان، اعتراض مردم محروم در حاشیه شهرها، اعتراضات جوانان در دانشگاهها و... هستیم. بعلاوه در این سالها فقر و بی حقوقی و بی مسئولیتی حاکمیت و نفرت عمومی از جمهوری اسلامی شورشهای بزرگی را باعث شده است که دیمه‌ها ۹۶ و آبان ۹۸ تنها دو نمونه برجسته آن است...

صفحه ۲

به زنان در ایران

پیام پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب کمونیست
کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

زنان آزادیخواه!

امروز بار دیگر جمهوری اسلامی ایران برای ساکت کردن جامعه ای که علیه اش بپاخاسته است، علیه شما زنان شمشیرها را از رو بسته و افسار گسیخته به میدان آمده است. به خیال خود، به کمک اسلام از «حلقه ضعیف» جامعه، یعنی زنان به مردم معترض و خشمگین حمله میکند!

غافل از اینکه نیمی از جمعیت جامعه، یعنی زنان، نه حلقه ضعیف و قربانیان ساکت و خاموش، که بخش عاصی، شورشی، نافرمان، سرکش، جسور و انقلابی جامعه است. بخصوص در شرایط حاضر که توازن قوا به قدرت پایین و قدرت کارگری - چپ و کمونیستی تغییر کرده است، این نیمه بیش از گذشته تعرضی و انقلابی است. ... صفحه ۴

بریتانیا و مرگ الیزابت دوم

ثریا شهابی

مردم مریوان در دفاع از انسانیت و برابری!

مظفر محمدی

مرگ شایر! قربانی تجاوز جنسی

اطلاعیه دفتر گردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

اطلاعیه پایانی

پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی

حزب حکمتیست

(خط رسمی)

صفحه ۲

فقر آموزش، آموزش فقر

اول مهر در ایران

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

اول مهر هر سال آغاز دیگری از رویارویی علم با جهل، تمدن با خرافه و مدرنیسم با ارتجاع اسلامی در ایران است. تفکیک و آپارتاید جنسی در مدارس، تبدیل کردن مدارس و دانشگاهها به پادگان و محل فعالیت‌های جاسوسی و دخالت‌های مذهبی و سرکوبگرانه علیه جوانان و فرهنگیان...، عرصه های یک کشمکش دائمی بین دانشگاه ها، مدارس و جوانان و فرهنگیان با دولت اسلامی بورژوازی است. .. صفحه ۲

موج اعدام‌ها را با اتحاد قدرتمند

خود در هم بشکنیم!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

آزادی
برابری
حکومت کارگری

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت اعضا کمیته مرکزی در روزهای ۱۰ و ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲ برگزار شد. دستورات پلنوم عبارت بودند از:

- ۱- گزارش
- ۲- اوضاع بین‌المللی و موقعیت ایران
- ۳- تغییر موقعیت حزب و وظایف ما در این دوره
- ۴- قرار و قطعنامه‌های پیشنهادی
- ۵- انتخابات

پلنوم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع به کار کرد.

گزارش کارکرد حزب توسط دبیر کمیته رهبری به پلنوم ارائه شد. خالد حاج‌محمدی در این مبحث به عرصه‌های مختلف فعالیت حزب و تشکیلات‌های آن پرداخت. در گزارش کارکرد حزب در زمینه‌های مختلف، منجمله به دخالت حزب در جدال‌های سیاسی این دوره، در جنبش کارگری و اعتصابات و اعتراضات مختلف، به تلاش‌های تشکیلات‌های حزب در مبارزه با جمهوری اسلامی، به حضور و حمایت از اعتصابات کارگری در غرب و تلاش و نقش ما، به فعالیت بین‌المللی این دوره حزب و همچنین به مشکلات و موانع حضور و دخالت مؤثرتر و قوی‌تر حزب پرداخته شد. اعضا کمیته مرکزی ضمن تأیید گزارش رهبری حزب به زوایای مختلف کار حزب و تشکیلات‌های آن پرداختند.

بحث اوضاع بین‌المللی و موقعیت ایران توسط امان کفا معرفی شد. در این بحث امان کفا و اعضا پلنوم به تحولات این دوره در سطح بین‌المللی، به صف‌بندی‌های جهانی و منطقه‌ای، به جنگ در اوکراین و تأثیرات آن، به بحران عمیق اقتصادی در سطح جهان و بی‌جوابی بورژوازی جهانی، به اوضاع خاورمیانه و تحولات این منطقه در دل این اوضاع و تأثیرات آن بر زندگی و شرایط مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم چه در بعد جهانی و چه در سطح خاورمیانه پرداختند. در این مبحث همچنین و بطور ویژه موقعیت ایران در دل این اوضاع بی‌ثبات، موانع جدی بورژوازی حاکم در برون‌رفت از بن‌بست اقتصادی و سیاسی موجود در ایران، به تأثیرات این اوضاع بر زندگی میلیون‌ها انسان در ایران و به ویژه بر رابطه طبقه کارگر و مردم آزادی‌خواه با جمهوری اسلامی به تفصیل پرداخته شد.

دستور بعدی پلنوم تغییر موقعیت حزب و وظایف ما در این دوره بود که توسط دبیر کمیته رهبری معرفی شد. در این مبحث به فاکتورهای اصلی اوضاع ایران و موقعیت طبقه کارگر و نقش گرایش کمونیستی این طبقه و جایگاه و موقعیت جنبش‌های اصلی سیاسی و جنبش کمونیستی و خود حزب حکمتیست (خط رسمی) پرداخته شد. تمرکز اصلی در این بحث به موقعیت کنونی حزب و نیاز فوری و عاجل به تغییر این موقعیت و تبدیل حزب به جریانی قدرتمندتر، قابل اتکا، قابل اعتماد و قابل انتخاب و توده‌ای بود. اعضا پلنوم با دقت و احساس مسئولیت بالایی در این مبحث دخالت کرده و به راه‌های رسیدن و تبدیل شدن به چنین حزبی، به امکانات و کمبودهای حزب و ضرورت جهت‌گیری و فعالیت‌ها و نقشه‌هایی برای تأمین این مهم پرداختند. کمیته مرکزی با سطح بسیار بالایی از انسجام سیاسی و آمادگی برای ورود به این میدان تصمیماتی در این زمینه را در مقابل خود و حزب گذاشت.

پلنوم با توجه به شرایط ویژه این دوره و جدال دائمی زنان و جنبش حق زن با ارتجاع حاکم، با توجه به نقش و رسالت کمونیست‌ها در این شرایط حساس و تعیین‌کننده، به کمونیست‌ها و زنان در ایران پیام‌هایی داد که منتشر می‌شوند.

در دستور انتخابات ابتدا رفیق آذر مدرسی بعنوان دبیر کمیته مرکزی در پست خود ابقاء شد. سپس رفقا امان کفا، آسو فتوحی، سهند حسینی، خالد حاج محمدی، فواد عبداللهی، محمد فتاحی و مظفر محمدی بعنوان کمیته رهبری انتخاب شدند. کمیته رهبری در اولین نشست خود خالد حاج محمدی را به عنوان دبیر کمیته رهبری در پست خود ابقا کرد.

پلنوم بعد از دو روز بحث گرم و با دخالت‌گری سطح بالای رفقای حاضر در نشست به کار خود پایان داد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲

فقر آموزش، یک خصیصه تعلیم و تربیت در مدارس ایران از ابتدایی تا دانشگاه است. محتوای درسی آغشته به خرافات مذهبی، آموزش دین و جهالت، تبدیل کردن مدارس به مساجد و حوزه علمیه و تدریس شرعیات و مزخرفات دینی... بر آموزش علم و آگاهی و تمدن و مدرنیته سایه افکنده است. آخرین تلاش دستگاه ضد علمی و ضد انسانی آموزش و پرورش، روانه کردن گردان‌های جهل و خرافات طلبه از حوزه‌های علمیه به مدارس است. این در حالی است که معلمان و رهبران و فعالین آنان مورد آزار و تعقیب قرار گرفته و تعدادی هنوز در زندان اسیر اند. آموزش فقر، به معنای قناعت و ریاضت، عزا، مرگ و شهادت و سینه زنی و تحقیر رفاه و عدالت و برابری هم وجه دیگر تعلیم و تربیت در نظام جمهوری اسلامی است. تقدیس فقر، ابزار مسخ کودکان و نوجوانان در مدارس است تا اختلاف طبقاتی، رابطه فقر و ثروت، عدالت و برابری را نبینند و نشناسند و از تساوی نیازهای بشر صرف‌نظر از سن، جنسیت، ملیت، مذهب از نعمات و رفاه و خوشبختی، محروم مانند. فقر مضاعف خوره ای است که در تاروپود آموزش و پرورش تنیده و نسل‌های پشت سرهم دانش آموز و دانشجو را از درون خورده است. این شرایط دردناک حاکم بر آموزش و پرورش و تحمیل شده بر جمعیت چند ده میلیونی کودکان و نوجوانان ما است.

اما در بیرون از حصار مدارس هم، میلیون‌ها کودک کار از حداقل سوادآموزی محروم اند. آمارهای رسمی از دو میلیون و آمار غیررسمی از هفت میلیون کودک کار خبر می‌دهند. تنها در تهران بیش از پنج هزار کودک زیر ۱۶ سال برای امرار معاش در مخازن زباله کار می‌کنند. بعلاوه اکثر فارغ التحصیلان دبیرستان و دانشگاه‌ها هم به لشکر بیکاران می‌پیوندند. تعداد دانش آموزان و دانشجویانی که در مرزها کولبری می‌کنند کم نیستند!

اما در دل تاریکی فقر آموزش و آموزش فقر در ایران، روزنه‌های امید هیچ وقت بسته نشده اند. از طرفی، مبارزه و تلاش معلمان و فرهنگیان، هم برای حقوق مکفی و رفاهی که به دغدغه معیشت و نان شان خاتمه دهد و هم مطالبات مربوط به عرصه آموزش و پرورش از جمله تغییر محتوای کتاب‌های درسی از خرافه به علم، جدایی مذهب از آموزش و پرورش، علیه کالایی شدن آموزش و پرورش، علیه جدایی جنسی و حجاب کودکان... به پا خاسته اند. دانشگاه‌ها، تجارب دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را با شعار «دانشگاه یادگان نیست» را پشت سر دارند.

از طرف دیگر، جدایی دین از آموزش و پرورش و لغو تفکیک جنسی در مدارس خواست طبقه کارگر آگاه ایران است. جدال روزمره طبقه کارگر با سرمایه داران و دولت نه تنها برای نجات کودکان و دانش آموزان از فقر و آموزش جهل و خرافات، بلکه برای خاتمه دادن به شرایط فلاکت‌باری است که کل جامعه ما را فرا گرفته است.

پیام ما کمونیست‌ها و طبقه کارگر آگاه به جامعه و به کودکان و دانش آموزان این است که به شما یک زندگی شاد و مرفه و خوشبخت بدهکاریم. ما بر ویرانه‌های نظام سرمایه و جهل و سرکوب و جنایت، جامعه ای می‌سازیم که علم بر خرافات غلبه کرده و آموزش و پرورش از جهالت و پلیدی های نظام دینی و کالایی پاک می‌شود. جامعه ای که دست مذهب را از همه ابعاد زندگی میلیون‌ها انسان کوتاه میکند. جامعه ای که نه تنها کار کودکان ممنوع است بلکه کار مزدی و تولید سود برای سرمایه داران پایان می‌یابد. کسی برای دیگری کار نمی‌کند. تولید برای نیاز جامعه است نه انباشت کردن سود سرمایه داران. کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و طبقه کارگر آگاه ایران و زنان و مردان اسیر تبعیض و ستم و نابرابری، زنگ نظام شورایی، اراده جمعی و رهایی بردگان از زنجیر نظام سرمایه داری را به صدا در آورده اند. ما بر ویرانه‌های نظام بردگی مزدی، ضد علم و ضد کودک و ضد زن و حاکمیت ارتجاعی گنبدیده و فاسد جمهوری اسلامی، کنگره سراسری شوراهای مردم را برپا می‌کنیم. دانشگاه‌ها و نسل جوان تحصیل کرده و آزادیخواه نیروی جدی در این مسیر در کنار طبقه کارگر در ایران است. جامعه به این نسل و به مبارزات آزادیخواهانه آن چشم امید دوخته است. سال جدید تحصیلی شروع دور دیگری از تلاش و مبارزه این نسل در مراکز تحصیلی و آموزشی به عنوان بخشی جدی از مبارزه آزادیخواهانه و برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۵ شهریور ۱۴۰۱ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۲

حزب حکمتیست (خط رسمی) به عنوان بخش متحزب جنبش کمونیستی طبقه کارگر، از تریبون پلنوم ۵۳ خود، همه شما را به دخالت جدی، مسئولانه و متحد در اوضاع کنونی و به درک اهمیت آن فرامیخواند. حزب ما برای مسلح کردن کمونیستها و طبقه کارگر در جدال برای سرنگونی و تأمین آلترناتیو حکومتی به جای جمهوری اسلامی، کنگره سراسری شوراهای مردمی را به جامعه معرفی کرده است. ما اولین قوانین پیشنهادی به این کنگره به عنوان اصول پایه ای قانون اساسی در جهت تأمین یک زندگی مرفه، تأمین آزادی های وسیع سیاسی، و اعمال اراده مردم ایران به عنوان قانون گذار و مجری قانون را اعلام کرده ایم.

جنبش ما با این پرچم باید نه تنها طبقه کارگر که بعلاوه اقشار محروم جامعه را دور خود متحد کند. شوراهای مردمی به عنوان شکل حکومتی ما باید توسط همه کمونیستهای جامعه و صدها و هزاران رهبر عملی با اتوریته کارگری، شخصیتهای معتبر سیاسی جامعه، فعالین جنبش حق زن، رهبران رادیکال در میان معلم، بازنشسته، پرستار و دانشجو، فعالین علیه تخریب محیط زیست و... در هر محیط کار و زندگی، بدست گرفته شود. ما همه شما را به اتحاد حول این پرچم و این آلترناتیو آزادیخواهانه فرا میخوانیم.

طبقه کارگر بدون نقش موثر کمونیستهای این طبقه، بدون داشتن حزب کمونیستی، در این جدالها با هر درجه از حقانیت، با هر درجه پیشروی، با هر میزان فداکاری، نهایتاً از تحمیل اصلاحاتی به بورژوازی و حکومتش فراتر نمیرود و نمیتواند برود. طبقه کارگر در این جدال به دخالت هوشیارانه و متحزب ما کمونیستها نیاز جدی دارد و بدون این، پیروزی در چشم انداز نیست. حزب ما به عنوان بخشی از این جنبش طبقاتی تمام تلاش خود را بکار میبرد که در این دوره حساس، منافع مستقل این طبقه را در این دوره تاریخی نمایندگی کند و با همه توان و هوشیاری بر تاریخ مبارزه طبقاتی در این اوضاع مهر کمونیسم و طبقه کارگر را بزند. به همین اعتبار از همه شما دعوت میکنیم که در هر کجای ایران هستید و در هر مرکز کارگری یا جنبش حق زن، در صف معلم و پرستار و دانشجو و مبارزه علیه تخریب محیط زیست، تا محلات، شهرها و... در کمیته های کمونیستی خود متشکل شوید و متشکل در این جدالها دخالت کنید. پلنوم کمیته مرکزی همه شما را به پیوستن به حزب خودتان، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست(خط رسمی) فرا میخواند.

رفقا!

جامعه به چپ چرخیده است و شبح کمونیسم بر فراز جامعه ایران در گشت و گذار است. این شبح دشمنان طبقاتی ما را چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون ترسانده است. ما باید بتوانیم این دوره را سربلند و به نفع طبقه کارگر، به نفع محرومین جامعه و به نفع بشریت رقم بزنیم. جامعه منتظر آمادگی ما نمیشود و باید تعجیل کرد. دریچه ای بر روی طبقه کارگر و کمونیستهای آن باز شده است، باید از آن بیشترین امکانات برای پیشروی به سمت جامعه ای فارغ از استثمار و کار مزدی را فراهم کرد. وظیفه ما است این دوره تاریخی را برای رهایی و برابری و به نفع انقلاب کارگری رقم بزنیم. پلنوم کمیته مرکزی همه شما رفقا را به مبارزه ای مشترک در این جهت و در یک صف واحد فرا میخواند.

کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی کردن نقشه های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به شوراهای کارگری و مردمی در محل کار و زیست می زند و به این مکانیسم های اجتماعی قدرت متکی می شود. آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و پیشرفته ترین نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

اکنون طبقه کارگر در راس جدال با جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران قرار دارد و هر روز در گوشه ای از محل کار تا محلات کارگرنشین در مقابل کلیت نظام کاپیتالیستی و برای پایان دادن به بردگی، برای مطالبات رفاهی و سیاسی خود، قد علم کرده است. امروز طبقه کارگر در مهمترین صنایع و مراکز مهم صنعتی و اقتصادی، علیه فلاکتی که به جامعه تحمیل کرده اند و علیه موقعیت برده وار زندگی خود و سرکوب، تهدید و ارباب، به میدان آمده است. طبقه کارگر در این جدال و برای به میدان آوردن نیروی خود به طور متحد تلاش کرده به قدرت جمعی خود در مجامع عمومی متکی شود و پرچم جنبش شورایی خود را در دل این اعتراضات بلند کرده و هر روز بخش بیشتری از نیروی وسیع خود را به این جدال وارد میکند. اکنون اتکا به مجامع عمومی و دخالت کارگران در سرنوشت اعتراضات و اعتصابات کارگری و بعلاوه پرچم اداره شورایی جامعه ترندی در جنبش کارگری و اقشار محروم جامعه است.

در مقابل این اوضاع جمهوری اسلامی جز سرکوب و قول و قرارهای فریب کارانه و تلاش برای تزریق سموم تفرقه افکنانه با اتکا به مذهب و ملیت و سنن و فرهنگ عقب مانده جوابی نداشته است، چیزی که این طبقه در بسیاری از مبارزات خود آنرا پس زده است. حاکمیت، نه در کوتاه مدت و نه در دراز مدت، افقی روشن برای بیرون رفتن از بحران اقتصادی مزمن خود و بهبود زندگی ندارد. جامعه نیز عموماً و طبقه کارگر و اقشار محروم خصوصاً، به حق، هر نوع بهبود و تأمین ابتدایی ترین مطالبات خود را در گرو رفتن جمهوری اسلامی میدانند. این حقایق سرنگونی جمهوری اسلامی را روی میز جامعه و همه جنبشها و نیروهای سیاسی قرار داده است.

امروز فضای جامعه و سیاست در ایران حول طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه این طبقه و جمهوری اسلامی و کل راه حل های بورژوازی چه از جانب خود حاکمیت و چه نیروهای راست اپوزیسیون بیش از هر زمانی قطبی شده است. این حقیقت و ترس از دست بالا پیدا کردن طبقه کارگر و کمونیستها در جدال برای سرنگونی جمهوری اسلامی و آینده قدرت سیاسی در ایران، تعمیق فاصله جنبشهای سیاسی و احزاب و جریانهای مدعی قدرت، دوستی و دشمنی های طبقاتی را عریانتر کرده است. جدال چپ و راست در جامعه حادثتر از هر زمانی در جریان است. امروز کمونیستها فقط زیر ضرب دستگاه سرکوب حاکمیت نیستند، نیروهای اپوزیسیون بورژوازی پا به پای وزارت اطلاعات علیه فعالین چپ و کمونیست، علیه فعالین کارگری سوسیالیست و چپ سمپاشی و پرونده سازی میکنند.

ما کمونیستها و طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه در این جدال علاوه بر تلاش هر روزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، جدال با افق های ضد کارگری، بورژوازی و راست و نیروهای سیاسی آن، برای گرفتن قدرت از بالا سر مردم ایران و با دخالت ارتجاع بین المللی و تحمیل انواع سناریوهای ارتجاعي را در دستور خود داریم. بی تردید در این مبارزه دست بالا پیدا کردن هر جنبش سیاسی در جدال امروز برای رفاه و آزادیهای سیاسی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی موقعیت و توازن قوا در فردای سرنگونی و در نوع حاکمیت آتی نقش تعیین کننده ای دارد.

رفقا!

در این شرایط پیروزی طبقه کارگر و محرومان جامعه، در گرو دخالت هوشیارانه و هدفمند این طبقه با پرچم سیاسی روشن، با صف مستقل این طبقه و سیاست و آلترناتیو حکومتی خود و به میدان آوردن نیروی وسیع این طبقه و همه اقشار محروم و آزادیخواه، زیر پرچم رهایی بخش خود است. چنین پدیده ای تنها و تنها زمانی میسر است، که کمونیستهای این طبقه به عنوان بخش هوشیار و دور اندیش و آگاه جنبش طبقاتی ما، به عنوان چشم و گوش طبقه کارگر، نقش رهبری خود را ایفا کند و جامعه را به رهبری این طبقه از دوره حساس کنونی با کمترین هزینه عبور دهد. این وظیفه بر دوش ما کمونیستهاست! نقش ما در این دوره و تلاش آگاهانه ما برای دخالت در همه میدان های مبارزه، امری حیاتی است.

امروز فضای جامعه به یمن مبارزات آزادیخواهانه ای که در جریان است و به یمن نقش اساسی طبقه کارگر، با خواست و مطالبات خود، با پرچم جنبش مجامع عمومی و اداره شورایی جامعه، کاملاً چپ و آزادیخواهانه است. این مهم همه نیروهای بورژوازی از حاکمیت تا اپوزیسیون راست را به هراس انداخته است. جامعه بشدت و حول یک آزادیخواهی و حق طلبی کارگری با ارتجاع بورژوازی چه در حکومت و چه اپوزیسیون قطبی شده است. این اوضاع بستر بسیار مهمی برای دخالت کمونیستهای طبقه کارگر است.

با این وجود، و تا وقتی جمهوری اسلامی سرکار است، هنوز حربه قرون وسطایی زن ستیزی، برای نظام شان، «نان و آب دار» است!

از این روست که شاهدیم این روزها، باز همچون سنت تاریخی جمهوری اسلامی، با قوانین ضد انسانی شریعت اسلامی و تبعیض جنسیتی، حجم عظیمی از حملات و تبلیغات کثیف مذهبی را به ضدیت با آزادی و آزادی زن و بیاد زدن مردسالاری و ناموس پرستی اختصاص داده است. بلندگوها و بنگاههای تبلیغاتی مساجد و حوزه ها و رادیو و تلویزیون های دولتی شبانه روز عریه می کشند و لمپن های حزب الهی شان را در گشت ارشاد و منکرات برای اذیت و آزار و دخالت در زندگی زنان و دختران جوان تحریک و بسیج می کنند. تلاش میکنند علاوه بر قوانین قرون وسطایی تفکیک جنسیتی در مدارس و ادارات و محل های کار، با تقویت سنتهای پوسیده و عهد عتیق اسلامی، بخشی از جامعه را علیه زنان تحریک کنند و عملاً توانسته اند بر خشونت خانگی، قتل های ناموسی و جرائم دیگر ضد انسانی علیه زن دامن بزنند. اما شما زنان، از روز اول در مقابل تهاجم تبلیغاتی و سرکوب مستمر رژیم ساکت ننشسته و تسلیم نشدید. شما خود را از انزوای خانگی و «رسالت خانه نشینی» رها کردید. دختران جوان مراکز تحصیلی عالی را فتح و با چنگ و دندان از آزادی و استقلال اجتماعی و اقتصادی خود دفاع کرده اند. شما زنان به تقابل جسورانه و آگاهانه با قوانین شریعت و ایدئولوژی مذهبی ضد زن جمهوری اسلامی برخاستید. در جنبش های کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دیگر اعتراضات اجتماعی، نقش متوقی و پیشروی را ایفا کرده اید. خط قرمزهای اسلامی ضد زن زیر گام های استوار شما محو و نابود شدند. دستاوردهای شما، از استقلال مالی و شغلی، رابطه آزاد بدون ازدواج، تا تبدیل حجاب به پاره لچکی روی سر و بر چوبه دار، سرپیچی از تفکیک جنسیتی و...، رکن هویتی و ایدئولوژیک اسلامی را به لرزه در آورده است.

شما جمهوری اسلامی را به زانو در آورده اید و خشم امروز حاکمیت از جنبش حق زن ناشی از این واقعیات و از قدرت شما است! فعالان حقوق زن، با تشکیل شبکه ها و محافل برای حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان، با همبستگی و همراهی با مادران خواران، مادران آبان و ... اولین عناصر و نطفه های اتحاد، همبستگی و سازمانیابی زنان در جنبش برابری زن و مرد را شکل داده اند. فعالین حقوق زنان و بویژه زنان برابری طلب و سوسیالیست، فراموش نمی کنند که زنان علاوه بر جنبش توده ای موجود در میدان، به یک تعرض و حرکت سازمان یافته و سراسری نیاز دارند. تعرض سراسری و سازمان یافته ای که بتواند برای همیشه ریشه زن ستیزی در ایران را بخشکاند!

این تعرض سازمان یافته و سراسری، تعرضی که بتواند تمام شهروندان جامعه را، وای جدایی های جنسی و قومی و ملی و مذهبی، پشت سر خود بیاورد، قابل حصول است، دست یافتنی است. اگر بتوان آن را با مبارزه دیگر شما، با مبارزه دیگر بخش اعظم جامعه هشتاد میلیونی ایران، با مبارزه طبقه کارگر برای معیشت و عدالت اقتصادی، بر یک بستر به جریان درآورد.

این واقعیت که امروز در ایران، آزادی و عدالت اقتصادی، رفع تبعیض و حرمت انسانی، معیشت و منزلت انسانی، جز با پیشروی جنبش سوسیالیستی، جز با تعرض به همه ارکان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نظام کاپیتالیستی که از فقر و زن ستیزی و بی تأمین و بیکاری میلیونی شهروندان، سود میبرد، ممکن نیست، تجربه نسل پس از نسل مردم در ایران است. واقعیتی که امروز حتی متفکرین محافظ راست هم، برای مقابله با پیشروی آن، به اشکال مختلف و به پهانه های مختلف، به آن اذعان میکنند.

برای جلوگیری از خطر سوسیالیسم، قربانی کردن حقوق زنان، یکی از ابزار موثر و تاریخی طبقه استثمارگر و مفت خور سرمایه است. باج دهی به مذهب و سنت و فرهنگ عقب مانده و ارتجاعی، راه طبقه ای است که نظام اقتصادی - سیاسی اش، جز بر استثمار و بردگی مزدی، جز بر تبعیض و جدایی جنسی بین مردم، جز با میدان دادن به ارتجاع مذهبی و ملی و مردسالاری، قادر به بقا نیست. به پرچم پیشروی راست در آمریکا نگاه کنید که چگونه اولین حمله اش به حقوق زنان است! به جمهوری اسلامی ایران و چهل سال اختناق و زن ستیزی اش نگاه کنید که همیشه برای تسهیل بهره کشی، برای تعرض به آزادی و رفاه، بیش از هر کسی به زنان حمله کرده است! از این روست که ما کمونیست ها، ما سوسیالیست ها، خود را پیگیرترین و رادیکال ترین و ماکزیالیست ترین جریان مدافع حقوق زنان میدانیم. جنبش ما برای ریشه کن کردن زن ستیزی، تاریخ غنی پشت سر دارد و امروز پرچم شفاف و روشنی از آینده ای که در آن نشانی از زن ستیزی وجود نداشته باشد، را در دست دارد. برنامه ما، برنامه یک دنیای بهت مطالبات مربوط به رفع تبعیض از زنان، و تمام مطالبات دیگر، پرچم تغییری است که راه استفاده از تفاوت های جنسی و جنسیتی، بهره کشی و زن ستیزی و دخالت مذهب و سنت و عقب ماندگی، وابستگی زن به مرد و جدایی بین شهروندان بر اساس جنسیت را، نه تنها سد میکند که فعالانه با بازتولید آن مبارزه میکند. ما، کمیته مرکزی حزب حکمتیست (خط رسمی)، شما را فرامیخوانیم که برای پیشروی، برای رهایی زن و برای رفع کامل تبعیض و نابرابری جنسی، پرچم ما، مطالبات ما، و برنامه ما را چراغ راهنما پیشرویتان قرار دهید. به ما و حزب ما بپیوندید تا با گام گذاشتن در راه «یک دنیای بهتر» آینده را بسازیم!

زنده با برابری زن و مرد زنده

باد سوسیالیسم

۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲

موج اعدامها را با اتحاد قدرتمند خود در

هم بشکنیم!

ماشین اعدام جمهوری اسلامی در این روزهای وانفاسی این نظام سرعت گرفته است. در شش ماه اول سال جاری میلادی دستکم ۲۵۱ نفر اعدام شده اند. تنها در اردیبهشت ماه امسال ۵۵ نفر به دار آویخته شدند. در روزهای اخیر ۱۲ نفر را در زندان های مرکزی کرج، میناب و تایباد اعدام کرده اند و حدود دو هزار نفر تنها در زندان مرکزی کرج زیر حکم اعدام هستند. جمهوری اسلامی با متهم کردن زندانیان به اتهامات امنیتی، جاسوسی و تجارت مواد مخدر سعی کرده است تا اعدام آنها را «قانونی» نشان دهد و مدیران زندانها در ایران برای اعدام «بی سر و صدای» متهمین، آنهارا وادار می کنند نامه انتقال خود به شهرستان های دیگر را امضا کنند. شتاب گرفتن اعدام های فله ای در ایران باعث شده است که از هفته گذشته تاکنون خانواده های محکومان به اعدام با هدف اعتراض به اجرای «دسته جمعی احکام اعدام» در زندان مرکزی کرج و قزلحصار تجمع یکپارچه خود را با سخنرانی ها و پلاکاردهای «نه به اعدام» و «اعدام نکنید» آغاز کنند و خواستار توقف احکام اعدام زندانیان باشند. اما پاسخ حاکمیت چه بود؟ خانواده ها در هفتمین روز از تجمع اعتراضی خود در مقابل قوه قضاییه، روز یکشنبه ۲۰ شهریور با ضرب و شتم و بازداشت توسط نیروهای انتظامی و امنیتی حاکمیت مواجه شدند. واقعیت اینست که امروز مردم ایران می دانند که جمهوری اسلامی نماد قتل عمد دولتی است. همه می دانند که قاضی و قوانین در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی مشمول جنایت علیه بشریت اند. همه می دانند که حربه اعدام و پرونده سازی بی پایه حاکمیت تنها برای مرعوب کردن شهروندان است. موج اعدامها در ایران در شرایطی سرعت گرفته است که دوران نوینی از مقاومت و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی شروع شده است.

از هر کوی و برزن آن جامعه صدای حق خواهی، عدالت و آزادی به گوش می رسد و سران ریز و درشت این نظام با کابوس پایان عمر حاکمیت شان روبرو شده اند. هر کارخانه و مرکز کارگری تا دانشگاه ها و محلات زندگی مردم، از تهران تا کردستان و خوزستان و ... به سنگر دفاع از انسانیت و زندگی در برابر توحش این حاکمیت و قوانین آن تبدیل شده است. از جنبش «نه به اعدام» تا جنبش رهایی زن و تا قد علم کردن طبقه کارگر و آرتناتیو اداره شورایی جامعه، عرصه را روز به روز به جمهوری اسلامی تنگ تر کرده است. در مقابل این توفان توده ای، حربه اعدام حاکمیت به قصد ارباب و تحمیل عقب نشینی به شهروندان کارایی ندارد. دوران ترس و ارباب گذشته است. شتاب گرفتن اعدامها، سرکوبها و پرونده سازیها علیه شهروندان مانع از پیشروی اجتماعی مردم به تنگ آمده و متشکل در محلات کار و زندگی، علیه جمهوری اسلامی نمی شود.

خواستار و مطالبه «نه به اعدام» که توسط خانواده های محکومان به اعدام در تجمعات اخیر به اهتزاز درآمده است، نوید جوانه های یک جنبش عظیم توده ای برای لغو قانون وحشیانه اعدام است. این جنبشی است که بلاواسطه بر سر ابتدایی ترین حق انسان یعنی حق حیات است. جنبشی که بلاواسطه به برنامه و اهداف طبقه کارگر و همه شهروندان ایران مربوط است. از نقطه نظر طبقه کارگر و هر شهروند آزادی خواه در ایران، کسانی که باید دادگاهی و محاکمه شوند، کسانی که باید به جرم بیش از چهل سال جنایت سازمان یافته و کشتارهای جمعی و راه اندازی هالوکاست های اسلامی، تحمیل فقر و فلاکت و بی آیندگی بر بیش از هشتاد میلیون نفر، بازجویی شوند و در دادگاه های مردمی جوابگو باشند، امروز پشت میز «دادگاه»ها و بعنوان مقامات نشسته اند! این امثال قاضی صلواتی ها و رئیس های و خامنه ای ها و فرماندهان سپاه و بسیج و «ناجا» و وزرای شکم سیر، دزد و فاسد و اختلاس گرند که باید به جرم جنایت علیه مردم دستگیر و محاکمه شوند. محاکماتی که دیر یا زود، موعده شان فرا می رسد.

آرزوی خرداد ۶۰ دیگری را، جنازه بوکرده جمهوری اسلامی با خود به گور خواهد برد. این کیفرخواست طبقه کارگر و مردم آزادی خواه ایران است که در هر دم و بازدم تحولات اجتماعی، از مراکز کار تا محلات زندگی زبانه می کشد. تا روز انجام این حکم باید در مقابل تعرض حاکمیت به همه زندانیان و خانواده های آنان، ایستاد. با اتحاد سراسری و قدرت اعتراضی خود باید جنبش «نه به اعدام» را همین امروز تقویت کرد و همین امروز با سنبه پر زور خود از پایین در محلات کار و زیست، قانون توحش اعدام را افسار زد و جمهوری اسلامی را از کرده خود پشیمان کرد.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲

مردم مریوان در دفاع از انسانیت و برابری!

مظفر محمدی



امروز پنج شنبه ۱۷ شهریور، هزاران نفر از زنان و مردان آزادبخواه مریوان به احترام زنی که قربانی مردسالاری و تبعیض و تجاوز به زن شد، مراسمی با شکوه برپا کردند. اکثریت شرکت کنندگان در مراسم، زنان بودند که همراه با تجمع و راه پیمایی و شعار و سخنرانی پیکر زن قربانی را در مراسم همراهی کردند. شلیتر رسولی صاحب همسر و فرزند توسط فردی به نام گوران قربانی که با تهدید سلاح گرم قصد تجاوز به او را داشته، فرار کرده و از پنجره ساختمان دو طبقه خودش را پایین می اندازد و می میرد.

جنازه ی زن قربانی روی دوش زنان بود. شعارهای در دفاع از حرمت و انسانیت و برابری زن و مرد که توسط زنان فریاد زده می شد، هزاران نفر آن را تکرار کردند. یکی از زنان مبارز خطاب به ملاحظاتی حاضر در میان مردم گفت: «شما ملاها چرا لال شدید و شعارها را تکرار نمی کنید. شما خود را نماینده خدا روی زمین می دانید و در همه چیز دخالت می کنید، چرا در تعرض و تبعیض و تجاوز به زن لال هستید». ملا با لکننت و شرمندگی می گوید: «ما کارمان مناسک آیینی است». زن می گوید: «زنان قربانی همان مناسک آیینی شما هستید». ملاها در میان مردم اجازه ی دخالت و شعار و تبلیغ آیینی نداشتند.

در مراسم بزرگ امروز این شعارها توسط زنان بیان و هزاران نفر آن را تکرار کردند: «مردسالاری و سرمایه، علت این بلا و فاجعه انسانی است!». «شمشیر و گلوله و خنجر از این شهر بیرون انداخته شوند!». «ما زنان کارگر و زحمتکش علیه قتل و ستم و تبعیض می جنگیم، می جنگیم». «از کردستان تا تهران، ستم علیه زنان!». «نان، کار، آزادی، لغو حجاب اجباری!». «ما زنان کارگریم، علیه ستم و رنج و آزاریم!...» در این مراسم یکی از زنان شرکت کننده بیانیه ای به زبان کوردی قرائت کرد. متن ترجمه شده بخشی از بیانیه چنین است:

زنان و مردان برابری طلب!

دیروز تراژدی دیگری، جامعه ما را لرزاند و قلب همه ی انسان های برابری طلب را به درد آورد. در این رویداد و فاجعه انسانی باز هم یک زن قربانی شد. دلیل قربانی شدن زنان قانون و سنت و ارتجاع مردسالاری است. در جامعه ای که زن ناموس کسی نام برده می شود و شهروند درجه دوم است و مرد خود را صاحب زن می داند، هر روزه شاهد تبعیض و تحقیر و تعرض علیه زنان هستیم. زن کشته می شود یا تحت فشار ضدیت با زن، دست به خودکشی می زند. شکی نیست این متجاوز باید محاکمه و مجازات شود. اما مجازات فردی به تنهایی نمی تواند فاجعه ی انسانی تعرض و تجاوز به حقوق و انسانیت زن را خاتمه دهد. ما می خواهیم به تبعیض و ستم جنسی و قوانین و آیین پشت آن خاتمه داده شود. ما خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستیم که برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین شود. بیگمان چنین جامعه ای مستلزم هشیاری و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و طبقات پایین جامعه است. خاتمه دادن به ستم طبقاتی و تبعیض و تجاوز به حقوق زنان به سازمان های طبقاتی و اجتماعی توده ای نیاز دارد.

زنده باد برابری زن و مرد

نفرت از ستم و تبعیض جنسی و ضد زن

با احترام به پیکر شلیتر رسولی عزیز و قربانی و همراه با تسلیت و همدردی با همسر و فرزندان و خانواده او و مردم مریوان، به یاد می آوریم که اولین بار نیست زنان و مردان کارگر و زحمتکش و مردم آزادبخواه مریوان در دفاع از انسانیت و برابری به پا می خیزند. این هشیاری و آگاهی و انساندوستی و برابری طلبی از مریوان تا تهران، از طبقه کارگر و معلمان و بلازنشستگان و مردم اسیر فلاکت و بی حقوقی، باز و باز هم هم آثبات می کند که جامعه ما شایسته زندگی آزاد و مرفه و برابر است. فریاد رسای ده ها میلیون انسان با سفره های خالی و حقوق و دستمزدهای ناچیز تا بیکاری و بی حقوقی مطلق، بنیادهای نظم ارتجاعی به نام جمهوری اسلامی به لرزه در آورده است. جدال جامعه ما جدال آزادیخواهی با استبداد و ارتجاع و اسلام در همه اشکال آن است. در مقابل ارتجاع اسلامی، صف کمونیسم و آزادیخواهی و مساوات طلبی کارگری، صف سکولاریسم پیگیر و ضد مذهب، صف مدرنیسم و صف رهایی بی چون و چرای زن ایستاده است. خواست و آرمان و ارزوهای واقعی اکثریت عظیم مردم ایران از زیر حجاب اختناق بیرون آمده و می رود که آینده سیاسی ایران را بسازد!

ازادی، برابری حکومت کارگری

۱۷ شهریور ۱۴۰۱

مرگ شلیتر!

قربانی تجاوز جنسی،

تراژدی که جامعه ای را به میدان آورد

بدنبال تعرض جنسی جانور و عنصر متجاوز، محصول مستقیم منجلا ب و گنداب زن ستیزی نظام موجود، که موجب سقوط شلیتر رسولی از طبقه دوم ساختمان مسکونی اش و درهم شکستن پیکر نیمه جان او پنج روز پیش در مریوان شد، شهر مریوان در صف های صدها و هزاران نفره، هر روز و هر لحظه در خشم، دلهره و اضطراب بسر بردند و به امید نجات شلر، شبانه امروز بیدار و در خیابان ها و اجتماعات حاضر حلقه حمایت خود را تنگ و تنگ تر کردند. امروز مرگ قطعی شلیتر، مریوان را لرزاند و اضطراب و خشم در طول پینچ روز ۱۲ شهریور تا ۱۷ شهریور مردم مریوان میدان اعتراض به زن ستیزی و جنایات علیه زنان، انگشت نشانه را به سمت نظام، سیستم، قوانین، مذهب و سنتی نشانه گرفتند که عامل تولید متجاوز جنسی، عامل تولید مردسالاری و نا امنی زنان در سراسر ایران است.

سخنرانی های پرشور زنان آگاه و معترض، شعارهای اجتماعات اعتراضی که «از مریوان تا تهران زنان ستم بر زنان جاری»،

افشاگری های مردم معترض در مورد جوانب مختلف زن ستیزی و قوانین ضد زن، ضمن ابراز انزجار از این قتل محصول تجاوز جنسی، خانواده شلر را در حلقه حمایتی خود گرفتند و فریاد زدند که همه شلیتر اند و حق او را خواهند گرفت!

صفی از زنان مبارز، رادیکال و سازمانده که حق خواهی شلیتر و خشم از قربانی شدن او را باروت اعتراض به نظام و قانون و سیستمی کردند که پرورش جانور و جانورانی چون قاتل شلر، محصول مستقیم است.

عدالتخواهی که با نشانه گرفتن خالقین قاتل، با نشانه گرفتن مسببین نا امنی جامعه و مهندسین و متفکرین پوسیده فرهنگ و قوانین اسلامی و مردسالارانه، مرگ تراژیک شلر را به جنبشی برای برچیدن کامل قوانین و سیستم تبعیض آمیز و زن ستیز موجود، گره میزند.

دفتر کردستان حزب ضمن تسلیت به خانواده شلرخود را در این مبارزه شریک مردم در کردستان ایران و در مریوان میداند

زنده باد جنبش حق خواهی زنان در مریوان

زنده باد جامعه انسانی، امن، برابر و آزاد برای زن و مرد

۸ سپتامبر ۲۰۲۲

ما می خواهیم به تبعیض و ستم جنسی و قوانین و آیین پشت آن خاتمه داده شود. ما خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستیم که برابری زن و مرد بطور قطع تامین و تضمین شود. بیگمان چنین جامعه ای مستلزم هشیاری و دخالت زنان و مردان کارگر و زحمتکش و طبقات پایین جامعه است. خاتمه دادن به ستم طبقاتی و تبعیض و تجاوز به حقوق زنان به سازمان های طبقاتی و اجتماعی توده ای نیاز دارد.

رهایی زن رهایی جامعه است!

بریتانیا و مرگ الیزابت دوم

ثریا شهابی



مرگ الیزابت دوم ملکه انگلستان و رئیس عالی کلیسای انگلستان در ۸ سپتامبر، که پیش از همه شاهان این کشور و به مدت ۷۰ سال سلطنت کرد، به موجی از تبلیغات وسیع و گسترده جهانی و کشوری، در رسانه های اصلی و بخصوص در خود بریتانیا، دامن زد.

با مرگ او ناگهان پارلمان ساعت جامعه را متوقف کرد! تشریفات عظیم و یک هفته‌گی حکومتی که از پیش تدارک دیده شده بود، اصلی ترین سوخت و سازهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و شغلی مردم در سراسر بریتانیا را به زور تنظیمات و معلق کردن ها و تعطیلی های اجباری، تحت الشعاع خود قرار داد. با این وجود و علیرغم فضای بشدت اشباع شده تبلیغاتی حول مراسم یک هفته عزا عمومی، سوالهایی در مورد ملکه و نهاد پادشاهی در این کشور را، در مقابل جامعه بریتانیا و افکار عمومی آن قرار داد.

برخلاف قرون وسطی، در هزاره دوم میلادی اما، در بریتانیای دوران پسا قرون وسطایی و پسا انقلاب صنعتی و پسا انقلاب دیجیتال قرن حاضر، شعار «ملکه مرد، زنده باد شاه» و «خدا شاه را حفظ کن»، سیما واقعی ساختار سیاسی در این کشور را منعکس نمی کند. علیرغم تلاش دولت تازه به قدرت رسیده و هیئت حاکمه بریتانیا، با اتکا به تبلیغات میدیای رسمی، «عزای عمومی» و مراسمهای متعدد «احترام به ملکه»، سوال اینکه نهاد پادشاهی در بریتانیا و شخص الیزابت دوم، این طولانی ترین شاه/ملکه تاریخ این کشور چه جایگاهی در تاریخ، در ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بریتانیا داشت و دارد، از صدها درز و روزنه، در مقابل جامعه قرار گرفت.

آیا در داعیه امثال «بی بی سی»، که چون احکام الهی غیرقابل نیاز به اثبات اعلام می کند که «ملکه الیزابت دوم نقطه ثابت در جهان درحال تغییر» بود، نشانی از واقعیت وجود دارد؟ آیا «ثبات» نسبی بلندمدتی که در تاریخ مبارزات طبقاتی و تحولات سیاسی در این کشور، بخصوص در دوره سلطنت الیزابت دوم، وجود دارد، ثباتی که سیستم و ساختار فرهنگی - ایدئولوژیکی حاکم با تبلیغات گسترده آنرا مثبت جلوه می دهند و آن را غما و یا بخشا محصول کارکرد نهاد پادشاهی و شخص ملکه میدانند، با مرگ ملکه دستخوش تزلزل خواهد شد!

آیا اساسا آن «ثبات» برای اکثریت مردم در این کشور مطلوب بود؟ آیا شاه بعدی، می تواند همان موقعیت و جایگاه را پر کند و اهمیت اینکه، آیا این مرگ می تواند شرایطی را بوجود آورد که موجب تغییرات در این ساختار شود و دو قطبی ماندگاری پادشاهی یا لغو و تبدیل آن به جمهوری در این کشور را شدت ببخشد و بریتانیا را وارد یک بحران سیاسی و دوره ای کند، از جمله چالش های فکری جامعه بریتانیا، پس از مرگ الیزابت دوم است. چالشی که جریانات مختلف سیاسی هر یک متناسب با افق و آرمان های خود، تفسیر و تبیین خود از آنها را بعنوان واقعیات طرح می کنند.

جایگاه واقعی نهاد پادشاهی و بخصوص شخص الیزابت دوم را تنها می توان با فاصله گرفتن از فضای تبلیغاتی حول این مسئله، چه تبلیغات «مثبت» دستگاه های تبلیغاتی پرسروصدای طرفداران او و مریدان افتخارات تاریخ استعماری و پادشاهی و چه تبلیغات منتقدانه برخی از جمهوریخواهان این کشور و ناسیونالیسم مستعمرات، باید در تاریخ مادی، تاریخ مبارزه طبقاتی در این کشور، جستجو کرد.

واقعیت این است که انقلابات دمکراتیک بورژوازی ضد سلطنتی با انقلاب کبیر فرانسه سلطنت و تاج و تخت را با حاکمیت های قرون وسطایی دستگاه مذهب و کلیسا، به زیر کشید و مردم برده و رعیت را از انقیاد این رولهای سیاسی و ایدئولوژیک قرون وسطایی «آزاد» و بعنوان شهروند برای فروش نیروی کار روانه بازار سرمایه کرد. از این زمان، یعنی از قرن هیجده، حکم مرگ نظام کهنه ارباب و رعیتی با رونمای سیاسی و ایدئولوژیک آن، تماما با انقلاب در فرانسه صادر شد و نظام نوین کاپیتالیستی با رونمای دمکراسی پارلمانی جای آن را گرفت. اعلام شد که جامعه نوین بورژوازی، ساختارهای قرون وسطایی یعنی حاکمیت پادشاهان و مذهب، و خرافه های قرون وسطایی کهنه و منسوخ و تاریخ پردرد و مصیبت گذشته را پشت سر گذاشته است.

ظاهرا اروپا با انقلابات دمکراتیک بورژوازی با دستگاه حاکمیت مذهب و نمایندگان خدا بر تاج و تخت، خداحافظی کرد. خداحافظی که بسرعت طبقه جدید حاکم، سرمایه دار، را در مقابل گورکنان خود، طبقه کارگری که با تولد نظام جدید متولد شده بود، از نظر ایدئولوژیک و سیاسی، تماما خلع سلاح کرد.

خداحافظی نیمه تمام انقلابات دمکراتیک بورژوازی که بسرعت سوسیالیسم طبقه کارگر، و شهروندی را متولد کرد که از طوق انقیاد بردگی و رعیتی گذشته قرون وسطی آزاد شده بود، اما سهم خود از همه زندگی، همه آزادی و برابری را میخواست. شهروندی که دیگر به طوق انقیاد جدید و بردگی مزدی تن نمی داد.

خطر عروج گورکن نظام نوین کاپیتالیستی، با ایدئولوژی و جنبش حاضر و آماده اش، سوسیالیسم، با زمینه مادی تولد متفکرین و مبلغین و رهبران نوینی چون مارکس و انگلس، ورق را برگرداند.

طبقه حاکم نوین، بورژوازی، با روبنای دمکراتیک، بی سلاح در مقابل گورکنی که برای رهایی خود از انقیاد اقتصادی ناچار است جامعه را از سلطه سرمایه برهاند، طبقه ای که می تواند دستاوردهای دمکراتیک را سکوی پیشروی برای رهایی کامل و از جمله رهایی از انقیاد اقتصادی کند، روبرو شد. طبقه نوین حاکم و برای بقا، خود را با سلاح های پوسیده و زنگ زده قرون وسطایی، تجهیز کرد. این سلاح ها اما باید مطابق نیاز زمانه، صیقل داده شود. رفرمیسم در مقابل سوسیالیسم، فرمان ایست به طبقه نوین کارگر شهری بود که به میدان آمده بود.

بورژوازی دست در انبان و کیسه به ارث رسیده از گذشتگان خود، استعمارگران و استثمارگران، به مذهب، تاج و تخت و تمام خرافه های قرون وسطی نیاز داشت. آنها را به فراخور مقتضیات سودآوری سرمایه، صیقل داد و بکار گرفت.

خداحافظی ناگام بورژوازی با نظم و نسق گذشته ارتجاعی دیروز و قرون وسطایی، به آشتی در شکل جدید تبدیل شد. مسیحیت و کلیسا و پادشاهی، در اروپا ناچار شد خود را برای نقش جدید صیقل دهد! «فرم» کند. در این سیر در جبهه روسیه از انقلاب کارگری اکتبر قرن بیست، شکست نیمه کاره ای خورد. شکستی که با عروج و افول استالینیسیم، به پیروزی نظام کاپیتالیستی، با یا بدون سلطنت، با یا بدون جمهوری، منجر شد.

پادشاهی بریتانیا و کلیسای ارتدکس آن، (کلیسای انگلیس) با تمام مراسم و تشریفات قرون وسطایی که از گذشته به میراث برده است، از جمله و یکی از رونمایی است که نه با انقلابات بورژوازی که با فرم صیقل خورد و بدون جمهوری، به خدمت نظام کاپیتالیستی درآمد. روبنایی که در آن و پس از شکست انقلابات کارگری کمون و اکتبر، مجهزتر و آبدیده تر شده و محکم تر به نظم و ثبات مورد نیاز سرمایه خدمت کرد. بر پادشاهی بریتانیا و نقش کلیسای انگلیس، عقب نشینی های زیادی تحمیل شده است. این عقب نشینی ها و «ثبات نسبی» این ساختار، برآیند زورآزمایی پایین با بالا، توازن این قدرت، طی چهار قرن گذشته و بخصوص طی جهان دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد است.

نه انقلاب صنعتی، نه داروین، نه دیکنز، نه انقلاب جنسی و موزیک پاپ و سرکردگی بریتانیا در عرصه های هنری، پزشکی و صنعتی و علمی، آنطور که میدیای راست می گوید از معجزات طولانی بودن سلطنت الیزابت دوم است و نه کشف واکسن کووید و نه معماری و نه معادن و نه ثروت و طبیعت این کشور هنر ملکه و سیستم چاپ کردن عکس او با این پدیده ها و صدها پدیده متزی و پیشرو دیگر، قادر نیست این واقعیت را بپوشاند که دستاوردهای پیشرو جزیره، حاصل و نتیجه یک جدال و جنبش زمینی و مادی در جامعه بریتانیا و جامعه جهانی برای عقب زدن بورژوازی انگلیس با ملکه و شاه و پارلمان و نخست وزیران متعدد آن بوده است. هیتلر محصول این روبنا و دمکراسی پارلمانی، بی شاه و مارگارت تاچر ضدکارگر سلطنت طلب و تونی بلر «جمهوریخواه»، که عراق را بمباران کرد، محصول همین دمکراسی با پادشاهی بود.

بریتانیا پس از ملکه

امروز و پس از چهار قرن، جمهوری یا سلطنت، جایی در دمکراتیک بودن ساختار هیچ حکومتی ندارد. این دو، در مدرن ترین جوامع، تنها بسته بندی دمکراسی پارلمانی و شکل و شمایل بی اختیاری شهروندان در این دمکراسی ها را نشان می دهد. جدال جمهوری و پادشاهی، جدال دو گذشته مرده است. گورکنان جدید، محصول انقلابات چهارم و پنجم صنعتی و تولیدی، آلترناتیوهای خود را دارند. گورکنانی که این بار خداحافظی با جمهوری و سلطنت را بعنوان وداع با یک محصول در دو بسته بندی، را برای همیشه به وداعی همیشگی با نظم و نسق کاپیتالیستی تبدیل می کنند.

پادشاهی بریتانیا امروز نه از کیسه نظام استعماری که از خزانه منافع بورژوازی خودی و جهانی، ارتزاق می کند و خدمتگذار آن است.

بورژوازی جهانی، و بورژوازی حاکم در بریتانیا، منافع خود را می شناسند. ملکه انگلیس نماد قدرت همگی شان، از امریکا تا کانادا و آلمان است. همه ملکه را بعنوان یکی از سمبل های قدرت شان، می ستایند.

این ساختار، کاپیتالیسم با پادشاه، یا مقام معظم، ولی فقیه یا رئیس جمهور، نه چون سه قرن پیش قابل اصلاح است و نه قابل انعطاف. حداکثر انعطاف آن یک قرن پیش به خاک سپرده شده است. الیزابت دوم که نماد استحکام کاپیتالیسم بریتانیا در مقابل موج انقلابات کارگری و مردمی و جنبش کارگری و سوسیالیسم این طبقه است، تنها یک نماد است. طبقه آینده دار، طبقه کارگر، بردگان مزدی برای فرستادن این نماد به جایگاه تاریخی اش یعنی قرن هیجده، به دو قطبی های درون خانوادگی طبقه استثمارگر و مفت خوری که تنها و تنها از قبال کار طبقه محروم و برده مزد، چاق می شود، به جمهوری یا سلطنت، ولی فقیه یا پادشاه، ریس جمهور یا ملکه، نیازی ندارند. این دو راهی این طبقه نیست. آینده بریتانیا با شاه جدید، نه در گرو تقابل طرفداران پادشاهی «اصلاح شده» تر یا طرفداران جمهوری، که تماما در گرو پیشروی پایین، جنبش کارگری است که پیش از مرگ ملکه در میدان بود و بی تردید در میدان خواهد ماند.

جنبش و تحرکی که نه با جنگ کرونا از میدان بدر رفت و نه با جنگ روسیه در اوکراین، تحولات سیاسی در جامعه بریتانیا روی پای خود و خواست های روشن رفاهی و آزادیخواهانه خود، پیش می رود. مسیری که در دل آن هر وقت توانست رونمای سیاسی آزادیخواهانه خود، شوراهای مردمی و قدرت مردمی و حاکمیت بردگان مزدی آزاد شده را به جای روبنای کهنه، سلطنت یا جمهوری، خواهد نشانند.

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نينا

پخش برنامه های نینا از

کانال یک

برنامه های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

نینا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena